

## قرآن تحریف نمیشود!

اسلامگرایان معمولاً در این قضیه بسیار اغراق میکنند که قرآن از هرگونه تحریف شدنی در امان است. البته این قضیه چندان هم اهمیتی ندارد زیرا همین قرآن به اصطلاح تحریف نشده نیز اساساً آش دهن سوزی نیست و حاوی انواع و اقسام اشکالات و تناقضات است که در بخش اشتباهات قرآن، خطاهای تازینامه به آنها پرداخته شده است. مسلمانان معمولاً کتب مسیحیان و یهودیان را محکوم به تحریف شدن میکنند و این را نشانه برتری قرآن میدانند که خداوند آنرا از تحریف شدن حفظ میکند.

این درحالی است که تحریف نشدن قرآن ابداً اصالت و حقانیتی برای قرآن نمی آورد، زیرا اگر قرار است هر کتابی که ۱۴۰۰ سال تحریف نشده باشد از طرف خدا باشد، میتوان کتابهای تاریخی بسیاری را یافت که قدمتی حتی بیش از ۱۴۰۰ سال دارند، لذا این ادعای مسلمانان ارزش منطقی چندانی ندارد اما، اسلامگرایان معمولاً ادعا میکنند که تفاوت میان قرآن و آنچه این کتاب را از سایر کتابها جدا میکند این است که قرآن هرگز تغییر نکرده است، حتی یک نقطه از قرآن در ۱۴۰۰ سال گذشته تغییر نکرده است و هیچ اختلافی نمیتوان میان قرآنهاي مختلف یافت.

در این نوشتار ما به بررسی مختصر این ادعا و رد آن خواهیم پرداخت. آیا واقعا تمام قرآنهاي موجود بر روی کره زمین یک شکل هستند؟

ما این ادعا را در سه قسمت بررسی خواهیم کرد.

۱. اندکی در مورد تاریخ تغییرات قرآنی توضیح خواهیم داد
۲. دو قرآن را از دو نقطه مختلف با یکدیگر مقایسه خواهیم کرد
۳. به قرآنی نگاه خواهیم افکند که نوشتارهای مختلف قرآن را در مورد هر آیه ذکر کرده است

ن.ج. داود مترجم عرب قرآن در مقدمه ترجمه خود از قرآن مینویسد:

با توجه به اینکه قرآن در اصل به خط کوفی نوشته شده بود و دارای حرکت و نقطه نبود، قرائتهای مختلفی از آن توسط مسلمانان بوجود آمده است که به یک اندازه دارای ارزش و رسمیت میباشند<sup>1</sup>.

با توجه به نوشته این دانشمند دینی، نوشتارهای مختلفی از قرآن وجود دارد، اما طبیعت این نوشتارهای مختلف چیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید در نظر داشت که قرآن توسط اشخاصی که "قاری" قرآن حساب میشوند نوشته شده است و با نام این افراد به یادگار مانده است. قرائتهای مشهوری از قرآن در قرنهای اولیه اسلام وجود داشت. این قرائتهای مختلف قرآنی در نهایت توسط افرادی که نوشتن میدانستند بصورت نوشته در آمد، به آن افراد راوی گفته میشود که قرائتهایی از قرآن را روایت کرده اند. بنابر این در واقع هر نسخه از قرآن نقل قولی است که توسط یک راوی از یک قاری قرآن انجام گرفته است و قرآن را نمیتوان خواند مگر اینکه به یکی از راوی ها و قاری ها اعتماد کرد. و ما بر آنیم تا بدانیم چه روایت هایی از قرآن امروزه در دنیا وجود دارد.

نوشتار زیر که توسط یک مسلمان نوشته شده است این مهم را با جزئیات بیشتری شرح میدهد:

قاریان بسیاری وجود داشتند و تعداد آنها به دلیل اینکه افرادی که قرآن را حفظ کرده بودند میمردند زیاد شد و کار آنها اهمیت بیشتری یافت و به دلیل اینکه قرآن با خط بسیار ابتدایی عربی نوشته شده بود و فاقد حرکت و نقطه بود باعث شد که خواندن و درک قرآن دشوار شود، بنابر این در قرن ۴ ام اسلامی تصمیم بر این گرفته شد که قرائت های مختلف قرآنی را از هفت قاری اصلی جمع آوری کنند و برای هر قاری دو راوی قرار دادند تا قرآن را با دقت و با حرکت و نقطه بنویسند. و نتیجه این کار ۷ قرآن اساسی بود که هر کدام دو راوی داشت و همگی با حرکت و نقطه بود که با یکدیگر اندکی اختلاف داشتند<sup>2</sup>.

این کار در سال ۳۲۲ هجری قمری توسط خلیفه المقتدر سازماندهی شد و بالاخره انجام گرفت. دکتر شجاع الدین شفا در کتاب پس از ۱۴۰۰ سال برگ ۱۰۱ مینویسد:

در قرن چهارم هجری ابن مجاهد، یکی از فقهای بزرگ بغداد، به اتکاء حدیثی از پیامبر نظر داد که قرآن در هفت قرائت وحی شده است و هر چه جز آن باشد مخدوش است، و این نظر مورد تأیید دستگاه خلافت

نیز قرار گرفت. بدین ترتیب هفت قرائت مختلف از قرآن که هرکدام از آنها به یکی از فقهای بزرگ قرون اول و دوم هجری در شهرهای مهم جهان اسلام ارتباط داده میشد در سال ۳۲۲ هجری توسط خلیفه المقتدر به رسمیت شناخته شد. بعد از آن در دو مرحله متوالی سه و چهار قرائت دیگر بر آن ها اضافه شد، بطوریکه سر انجام شمار قرائت های مجاز قرآن به چهارده رسید (که حافظ ما در غزلی که انتاب آن بدو مورد تردید است، مدعی از برداتن همه آنها است). متن قرائتی برگزیده جامع (دانشگاه) الازهر که چاپ مصر رایج قرآن در جهان امروز بر اساس آن صورت گرفته است، منسوب به فقیهی بنام عاصم بن ابی النجود است. که در سال ۱۲۷ هجری در کوفه درگذشته است.

این قرائتهای رسمی از این قرارند.

نافع، از مدینه سال ۱۶۹ - 785/ابو عبدالله نافع بن ابی نعیم مدنی، مُکَنّی به «ابی رویم» می باشد. نافع اصلاً از اصفهان بود و در مدینه می زیست و در همانجا (به سال ۱۷۶ یا ۱۶۹) درگذشت، یادآوری کرده اند که وی قرآن را نزد ابومیمونه، «مولى ام سلمه»، همسر رسول خدا (ص) قرائت نموده است. روایان وی عبارتند از: ورش و قالون .

ابن کثیر، از مکه سال ۱۱۹) - 737/عبدالله بن کثیر مکی) از ایرانیانی بود که کسری ایران او را با کشتی هایی که به یمن فرستاده بود برای فتح حبشه گسیل داشت. ابن کثیر مردی فصیح و بلیغ... بود. و از جمع صحابه عبدالله زبیر و انس بن مالک را درک کرده بود. روایان وی عبارتند از: بُزَی و قُنبل .

ابو عمرو الاعلی، از دمشق سال ۱۵۳ - 770/ابو عمرو بن علاء بصری وی اهل ایران بوده است و در میان قرأ سبعة از لحاظ کثرت اساتید و شیوخ قرائت، کسی به پایة او نمی رسد، و قرآن را در مناطق مختلفی مانند مکه و مدینه و بصره و کوفه بر استادان زیادی قرائت کرد. سیدحسن صدر، ابی عمرو را شیعی می داند. روایان قرائت وی عبارتند از: دوری و سوسی (وی ایرانی و اهل شوش بوده است).

ابن عامر، از بصره سال ۱۱۸ - 736/وی در زمان عمر بن عبدالعزیز و قبل و بعد از آن، امام مسجد دمشق (جامع اموی) و قاضی و پیشوای آن دیار بوده و از معمرترین قرأ سبعة به شمار می رود. ابن عامر بنا به قول صحیح به سال ۱۱۸ هجری قمری در نود نه سالگی از دنیا رفت. روایان قرائت ابن عامر عبارتند از: هشام و ابن ذکوان.

حمزه، از کوفه سال ۱۵۶ - 772/حمزه بن حبیب زیات کوفی حمزه اصلاً ایرانی است و زمان صحابه را درک کرده است و شاید برخی از آنها را دیده باشد. حمزه نیز مانند عاصم شیعی است و قرآن را بر امام صادق (ع) خوانده است. شیخ طوسی نیز حمزه را از اصحاب امام صادق (ع) معرفی کرده است. در وجه ملقب شدن حمزه به «زیات» می نویسند که وی با آوردن روغن از کوفه به حلوان و آوردن پنیر و گردو از حلوان به کوفه امرار معاش می کرد. (زیت نیز به معنی روغن و زیات روغن فروش است).

الکسانی، از کوفه سال ۱۸۹ - 804/وی از مردم سرزمین ایران بوده است و گویند در میهن خود در «طوس» یا «ری» وفات کرد. وی قرائت را چهار بار از حمزه اخذ کرد، به طوری که می توان به قرائت او اعتماد نمود. کتابها و آثار زیادی به کسایی منسوب است. روایان وی عبارتند از: حفص دوری و ابو الحارث.

ابوبکر عاصم، از کوفه سال ۱۵۸ - 778/عاصم بن ابی النجود کوفی از مردم کوفه است، عاصم از قرأ هفتگانه و شیعی است و قرآن را بر ابی عبدالرحمن عبدالله بن حبیب سلمی شیعی - که از یاران امیرالمؤمنین علی (ع) بود... قرائت کرد. عاصم با یک واسطه راوی قرائت امیرالمؤمنین (ع) است. به همین جهت گفته اند فصیح ترین قرائت، قرائت عاصم می باشد، زیرا وی قرائت اصیل آورده است. خوانساری در کتاب روضات الجنان در شرح احوال عاصم می نویسد: "وی پارساترین و پرهیزگارترین قرأ، و رأی

او درستترین آراء در قرائت به شمار می‌رود". قاطبة ي دانشمندان شیعی، قرائت عاصم را فصیح‌ترین قرائت دانسته‌اند. روایان وی عبارتند از: حفص و ابوبکر عیاش. اطلاعات مربوط به قراء سبعة از اینجا گرفته شده است.

در حقیقت قرائت‌های بیشتری از قرآن در دنیا موجود میباشد، جدول زیر، لیستی از قرآن‌های مورد استفاده در کشورهای مختلف دنیا، راوی و قاری آنها و منطقه ای که این قرآن‌ها در آنجا وجود دارند نشان میدهد.

قاری	راوی	
نافع	ورش	الجزایر، مراکش، قسمتهایی از تونس، غرب آفریقا و سودان
	قالون	لیبی، تونس و قسمتهایی از قطر
ابن کثیر	البیزی	
	قتیل	
ابو عمرو الاعلی	الدوری	قسمتهایی از سودان و غرب آفریقا
	السوسی	
ابن عامر	هشام	
	ابن ذکوان	قسمتهایی از یمن
حمزه	خلف	
	خالد	
الکسائی	الدوری	
	ابی حارث	

تمام کشورهای اسلامی	 حفص	ابوبکر عاصم
ابن وردان		
<b>"قرآنهاى سه گانه"</b>		
ابن وردان		ابوجعفر
ابن جماز		
رويس		يعقوب الهاشمى
روح		
المروزى		خليف البزار
ادريس الحداد		
<b>"قرآنهاى چهارگانه گانه"</b>		
ابن شنبوز		ابن محسن
الببىزى		
احد بن فرح		اليزيدى
سليمان بن الحكم		
ابو نعيم البلىخى		الحسن البصرى
الدورى		
امتودى		الاعمش
الشنببىزى الشتاوى		
<p>قرائنهاى بيشترى از اين قرائتها نيز وجود دارد، اما اين قرائتها رسمى ترين آنها حساب ميشوند، اطلاعات مربوط به ناحيه استفاده شدن اين قرآنها از ابو عمار ياسر قاضى نقل شده است<sup>3</sup>.</p>		

جدول بالا به اين معنى است كه قرآن از نسخه هاى روايت شده مختلفى بجاي مانده است، تمامى اين نسخه ها امروز چاپ و استفاده نميشوند اما بسيارى از آنها همچنان چاپ ميشوند.

گفتنى است بسيارى از اشخاص از اين طبقه بندى اطلاع ندارند و چون براى اولين بار با آن روبرو ميشوند در صحت آن شك ميكنند، اين افراد كافى است شناسنامه قرآنى كه خود استفاده ميكنند نگاه كنند تا متوجه شوند كه چه قرائت و چه روايتى است، تصوير زير، شناسنامه قرآنى است كه نگارنده اين نوشتار از آن استفاده ميكنند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
« اِنَّا نَحْنُ ذُرِّيَّةُ الذِّكْرِ وَاِنَّا لَخَالِفُونَ »  
- ذرّات کریم -

این نسخه شریف شامل سی جزء کامل با مشخصات:

خطاط: حبیب الله فضالی  
مترجم: عبدالمجید

نوبت چاپ: چهارم

قطع: وزیری

محل چاپ: تهران

نام چاپخانه: چاپخانه سروش

تعداد: ۵۰۰۰ جلد

در تاریخ ۱۱/۱۲/۷۱ از جهت صحت کتبات و انطباق با قرآن عام

بر روایت مفصل در دق نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم بر روی

تصحیح شده که مراتب در پرونده شماره ثبت و چاپ آن توسط

انتشارات سروش با رعایت مقررات اعلام شد از سوی وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی بلامانع می باشد.

بر این است تجدید چاپ آن منوط به تأیید مجدد و ضد و رجحان

دق نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم خواهد بود.

علی اکبر حنیفی

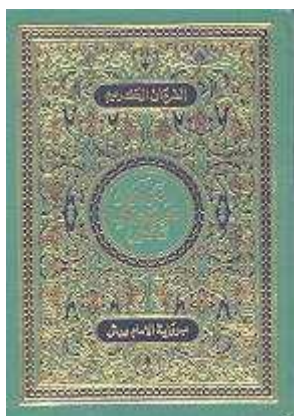
رئیس هیئت مدیره کل دارالقرآن الکریم

۷۴/۲/۲۴



اکنون به تفاوت‌های میان دو قرآن که از دو روایت مختلف از دو جای مختلف نوشته شده است، میپردازیم و خواهیم دید که آیا این دو قرآن که در دو جای مختلف دنیا چاپ میشوند باید یکدیگر برابر هستند یا نه. قرآن سمت راست قرآنی است که بر اساس

روایت حفص از قرائت ابوبکر عاصم نوشته شده است و در تمام کشورهای اسلامی استفاده میشود و معمولاً بعنوان قرآن اصلی از آن یاد میشود و قرآن سمت چپ قرآنی است که بر اساس روایت ورش از قرائت نافع نوشته شده است، قرآن روایت ورش بیشتر در شمال آفریقا استفاده میشود.



وقتی قرآن‌ها را باهم مقایسه میکنیم، در میابیم که با هم از شش جنبه در تفاوت هستند.



۱. تفاوت املائی
۲. تفاوت میان حرکت‌ها
۳. تبدیل شدن کلمه به کلمات مشابه
۴. تفاوت میان نقطه‌ها (اعراب)
۵. اضافه و یا حذف شدن کلمات
۶. تغییر جایگاه یک کلمه

حال بیابید به گوشه‌هایی از این تفاوت‌ها نگاه کنیم. مثالهای زیر از کلمات مشابه از یک سوره از این دو کتاب آورده شده است، اما شماره آیات در قرآن‌ها بایکدیگر برابر نیست و قرآن‌های مختلف شماره آیات مختلفی دارند. بنابر این مثلاً آیه ۱۳۲ سوره بقره در روایت حفص از عاصم برابر است با آیه ۱۳۱ سوره بقره در قرآن ورش.

**تفاوت میان حروف:** تفاوت‌هایی از لحاظ تحریری در نوشتن الفبای عربی در میان این قرآن‌ها موجود است و این عثمانی‌ها بودند که روی طریقه نگارش قرآن کار کردند و استاندارن و مبنایی برای آن بوجود آوردند.

قرآنی که بر اساس روایت امام حفص نوشته شده است	قرآنی که بر اساس روایت امام ورش نوشته شده است
<p>وَوَصَّى</p> <p>سوره بقره آیه ۱۳۲</p>	<p>وَأَوْصَى</p> <p>سوره بقره آیه ۱۳۱</p>
<p>وَلَا يَخَافُ</p> <p>سوره شمس آیه ۱۵</p>	<p>وَلَا يَخَافُ</p> <p>سوره شمس آیه ۱۵</p>
<p>هَمُّ</p> <p>سوره بقره آیه ۱۳۲</p>	<p>هِيمُ</p> <p>سوره بقره آیه ۱۳۱</p>

<p style="text-align: center;">سَارِعُو</p> <p style="text-align: center;">سوره آل عمران آیه ۱۳۳</p>	<p style="text-align: center;">وَسَارِعُو</p> <p style="text-align: center;">سوره آل عمران آیه ۱۳۳</p>
<p style="text-align: center;">يَرْتَدُّ</p> <p style="text-align: center;">سوره مائده آیه ۵۶</p>	<p style="text-align: center;">يَرْتَدَّ</p> <p style="text-align: center;">سوره مائده آیه ۵۴</p>

مثالهای بالا تفاوت‌های میان حروف را در این دو قرآن نشان میدهند.

**تفاوت میان حرکت‌ها:** همانگونه که گفته شد هنگامی که قرآن نگاشته میشد در آن نقطه و حرکتی وجود نداشت، و این طبیعی است که در قرآنهای موجود در دنیا تفاوت‌هایی نیز میان نقطه‌های استفاده شده در قرآن وجود داشته باشد. نقطه در نگارش عربی نقش بسیار مهمی دارد و تفاوت میان نقطه‌ها بطور کلی معنی جمله را عوض میکند. در قرآنی که نقطه نداشته باشد تمامی حروف **ب**، **ت**، **ث**، **ذ** و **ی** به شکل **ل** نوشته شده اند. لازم به ذکر نیست که حروف دیگری همچون [ص ض ط ظ ز ر ذ د س ش ع غ ف ق] نیز در نگارش بدون نقطه عربی کاملاً مانند هم نوشته میشوند. جالب است که بر خلاف دروغی که مسلمانان میگویند اولین بار عثمانی‌ها به قرآن نقطه را اضافه کردند نه حضرت علی (!). قرآنی که منسوب به امام حسن است و در موزه آستان قدس رضوی نگهداری میشود هیچ نقطه و حرکتی ندارد. قرآن را تا پیش از زمان عثمانی میشد به چندین روش خواند و از راویان مختلف قرآن که قرآن را حفظ کرده بودند می‌آموختند که باید یک آیه را چگونه بخوانند. قرآنی‌هایی که ما آنها را بررسی میکنیم هر کدام دارای سبک خواندن خود نیز هستند و آنها را به انواع مختلفی قرائت میکنند. در مثالهای زیر مشاهده میشود که در محل قرارگرفتن نقطه‌ها در قرآن نیز بین قرآنهای موجود اختلاف بسیار است.

<p style="text-align: center;">قرآنی که بر اساس روایت امام ورش نوشته شده است</p>	<p style="text-align: center;">قرآنی که بر اساس روایت امام حفص نوشته شده است</p>
<p style="text-align: center;">يَقُولُونَ</p> <p style="text-align: center;">سوره بقره آیه ۱۳۹</p>	<p style="text-align: center;">نَقُولُونَ</p> <p style="text-align: center;">سوره بقره آیه ۱۴۰</p>
<p style="text-align: center;">اتَيْنَاكُمْ</p> <p style="text-align: center;">سوره آل عمران آیه ۸۰</p>	<p style="text-align: center;">اتَيْتُكُمْ</p> <p style="text-align: center;">سوره آل عمران آیه ۸۱</p>

نُنشِرْهَا

سوره بقره آیه ۲۵۸

نُنشِرْهَا

سوره بقره آیه ۲۵۹

از مثالهای بالا نتیجه گرفته میشود که مردم در جاهای مختلف حتی قرآن‌ها را یک شکل نیز نمیخوانند.

**تفاوت میان حرکت ها:** مثالهای زیر از این دو قرآن نشان میدهد که آنها در حرکات خود نیز با یکدیگر برابر نیستند و تفاوت در میانشان وجود دارد. حکومت عثمانی بر روی این ضعف از قرآنهای پیش از خود نیز کار کرد و آنرا بصورت استاندارد در آورد.

قرآنی که بر اساس روایت امام ورش نوشته شده است

يَقُولُ

سوره بقره آیه ۲۱۲

قرآنی که بر اساس روایت امام حفص نوشته شده است

يَقُولَ

سوره بقره آیه ۲۱۴

يُكَذِّبُونَ

سوره بقره آیه ۹

يَكْذِبُونَ

سوره بقره آیه ۱۰

طَعَامٍ مَّسْكِينٍ

سوره بقره آیه ۱۸۳

طَعَامٍ مُّسْكِينٍ

سوره بقره آیه ۱۸۴

سِحْرَانِ

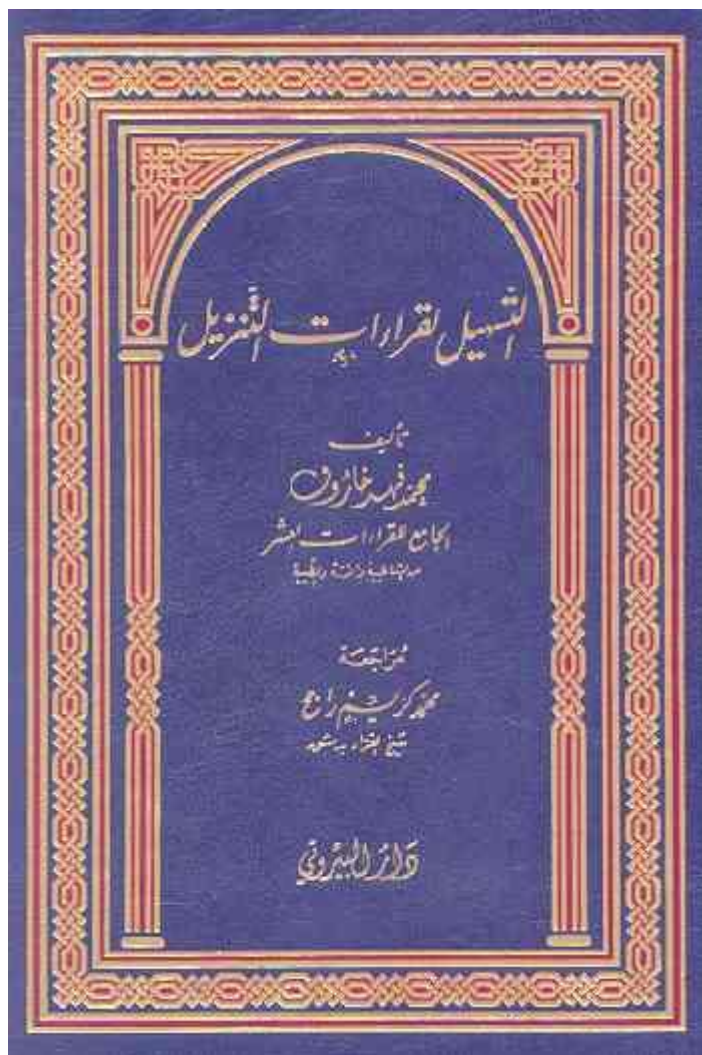
سوره قصص آیه ۴۸

سِحْرَانِ

سوره قصص آیه ۴۸

البته بسیاری از محققین اسلامی معتقدند علی رغم تفاوت‌های بسیاری که میان روایات قرآنی بویژه روایت حفص و ورش وجود دارد، هیچکدام از آنها تأثیر چندانی بر معنی قرآن ندارند، و روی تفکرات اسلامی تغییرات چندانی نمیدهند. بررسی این ادعا بطور مفصل و دقیق در حوصله این نوشتار نیست، اما این تفاوت‌ها ادعای قابل تحریف نبودن قرآن را حداقل از یک ادعای منطقی و دقیق به یک ادعای احساسی و غیر محکم همچون سایر ادعاهای دینی تبدیل میکند.

بررسی تفاوت‌های میان تمامی نسخه‌های مختلف قرآن کار دشواری است اما کتابی که در اینجا معرفی می‌شود، اختلافات میان ده قرائت رسمی پذیرفته شده قرآن را با یکدیگر در مورد هر آیه بررسی می‌کند. و این کتاب ادعای "مهم نبودن تفاوت‌های میان نسخه‌های مختلف قرآنی" را زیر سوال می‌برد



آسان کردن خواندن آنچه نازل شده است.

در این کتاب محمد فهد خرم ده نسخه از نسخه‌های مختلف که نام آنها را ذکر کردیم جمع آوری کرده است و آنها را در حاشیه هر صفحه که حاوی قرآن نسخه حفص است آورده است. البته نسخه‌های دیگری نیز وجود داشته است که وی آنها را جمع آوری نکرده است. همانطور که اسم کتاب می‌گوید، این کتاب بررسی آنچه از قرآن بر جای مانده را آسان می‌کند.

در پایین یک برگ از این کتاب بصورت تصادفی انتخاب شده است، برگ زیر سوره بقره آیات ۲۷۰ تا ۲۷۴ را نشان می‌دهد، و در حاشیه اختلافاتی که میان نسخه‌های مختلف قرآن وجود دارد آورده شده است. بطور کلی می‌توان ادعا کرد حد اقل در دو سوم آیات قرآنی نوعی از اختلافات یاد شده وجود دارد.

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧١﴾ إِنْ تُسْأَلُوا  
 الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧٢﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ هُدُوءُهُمْ  
 وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا يُنْفِقْكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا لِأَنْتُمْ تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ  
 وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْتِ الْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَاللَّهُ يُمْسِكُ  
 لِلسُّقْرَاءِ الَّذِينَ أَحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ  
 الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِعْجَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ  
 فَإِنَّ اللَّهَ يَدْعُ عَلَيْهِمُ ﴿٢٧٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ  
 بِالْأَيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ  
 رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

ثلاثة البذل، ووقف حمزة بإبدال المعزة ياء حالصة ﴿سَيِّئَاتِكُمْ﴾.

﴿فَلَا تُنْفِقُوا﴾ بالتحقيق، وإبدال المعزة ياء حالصة، وقف حمزة ﴿فَلْيَنْفِقْكُمْ﴾.

﴿يَحْسَبُهُمْ﴾ ابن عامر، وعاصم، وحمزة، وأبو جعفر. ﴿يَحْسَبُهُمُ﴾ الباقون.

﴿وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾ يعقوب. ﴿وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾ حمزة. ﴿وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾ الباقون.

الممال

﴿النصار، النهار﴾ أبو عمرو، ودوري الكسائي، وبالقليل ورش.

﴿هداهم﴾ حمزة، والكسائي، وخلف، وقلها ورش بخلفه.

﴿يسمياهم﴾ حمزة، والكسائي، وخلف، وقلها أبو عمرو، وورش بخلفه.

﴿فَتَعِيمًا﴾ ابن عامر، وحمزة، والكسائي، وخلف.

﴿فَتَعِيمًا﴾ ورش، وابن كثير، وحفص، ويعقوب.

﴿فَتَعِيمًا﴾ قالون، وأبو عمرو، وشعبة، بخلف عنهم، وأبو جعفر. وباختلاس كسرة العين: قالون، وأبو عمرو، وشعبة، وهو الوجه الثاني لهم.

﴿هي﴾ وقف يعقوب بهاء السكت.

﴿فهو﴾ قالون، وأبو عمرو، والكسائي، وأبو جعفر.

﴿فهو﴾ الباقون، ووقف يعقوب بهاء السكت.

﴿وَنُكْفَرُوا﴾ نافع، وحمزة، والكسائي، وأبو جعفر، وخلف.

﴿وَنُكْفَرُوا﴾ ابن كثير، وأبو عمرو، وشعبة، ويعقوب.

﴿وَيُكْفَرُوا﴾ الباقون.

﴿سَيِّئَاتِكُمْ﴾ لورش

در اینجا نیز شایسته است مثالهایی دیگر از تفاوتهای میان قرآنهاى موجود بیاوریم.

مثال نخست: سوره مريم ١٩ آيه ١٩

قرائت حفص

{ قال أنما أنا رسول ربك إيلك لأهب لك غلاماً زكياً }

واضح منها بأن جبريل (رسول ربك) سيهب مريم غلاماً زكياً.

قرائت نافع، أبو عمرو، قالون، ورش

{ قال أنما أنا رسول ربك إليك **ليهب** لك غلاماً زكياً }

الأختلاف هنا يرينا بأن الهبة ليست من جبريل بل من الله.

البحر المحيط، الكشاف

{ قال أنما أنا رسول ربك إليك **أمرني أن أهب** لك غلاماً زكياً }

في هذه القرائت جبريل يوضح بأن الله أمره بأن يهب مريم غلام.

مثال دوم : سورة مريم ١٩ آيه ٢٥

قرائت حفص

{ وهزي إليك بجزع النخلة **تساقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت حمزة، الأعمش

{ وهزي إليك بجزع النخلة **تساقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت عاصم، الكسائي، الأعمش

{ وهزي إليك بجزع النخلة **يساقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت أبو ناهيك، أبو حي

{ وهزي إليك بجزع النخلة **تسقط** عليك رطباً جنياً }

كتاب الأعراب للنحاس

{ وهزي إليك بجزع النخلة **تساقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت مسروق

{ وهزي إليك بجزع النخلة **يساقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت أبو حي

{ وهزي إليك بجزع النخلة **تسقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت أبو حي

{ وهزي إليك بجزع النخلة **يسقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت أبو حي

{ وهزي إليك بجزع النخلة **تتساقط** عليك رطباً جنياً }

قرائت أبو الأسمال

{ وهزي إليك بجزع النخلة **يُسقط** عليك رطباً جنياً }

مثال سوم: سوره مريم ۱۹ آيه ۲۶

قرائت حفص

{ فكلي وأشربي وقرى عينا فما ترين من البشر أحد فقولى أنى نذرت للرحمن **صوماً** فلن  
أكلم اليوم أنسياً }

قرائت زيد بن علي

{ فكلي وأشربي وقرى عينا فما ترين من البشر أحد فقولى أنى نذرت للرحمن **صياماً** فلن  
أكلم اليوم أنسياً }

قرائت عبد الله بن مسعود، أنس بن مالك

{ فكلي وأشربي وقرى عينا فما ترين من البشر أحد فقولى أنى نذرت للرحمن **صمتاً** فلن  
أكلم اليوم أنسياً }

قرائت أبي بن كعب، أنس بن مالك

{ فكلي وأشربي وقرى عينا فما ترين من البشر أحد فقولى أنى نذرت للرحمن **صوماً**  
**صمتاً** فلن أكلم اليوم أنسياً }

قرائت أنس بن مالك

{ فكلي وأشربي وقرى عينا فما ترين من البشر أحد فقولى أنى نذرت للرحمن **صوماً**  
**وصمتاً** فلن أكلم اليوم أنسياً }

برای تکمیل رد ادعای تحریف ناپذیر بودن قرآن، تارنمای افشا نسخه ای از یکی از روایات قرآن را که اختلافات فراوان با قرآن موجود در اکثر کشورهای اسلامی دارد در بخش "[اسناد تعدد نسخ قرآنی و تحریف قرآن](#)" با مشخص کردن کلماتی که با یکدیگر در این دو قرآن اختلاف دارند قرار داده است.

<http://www.efsha.co.uk/farsi/quran/corruption/index.htm>

آیا وجود این اختلافات میان نسخه های مختلف قرآن، و تاریخی که قرآن دارد نمیتواند بهترین دلیل برای نامفهوم و گنگ بودن آن باشد؟

بسیاری از اطلاعات ذکر شده در این صفحه از دو مقاله ± و ± گرفته شده است.

<http://www.exmuslim.com/khaled/aquran.htm>

<http://answering-islam.org/Green/seven.htm>

ترجمه و تحقیق: آرش بیخدا

1) (N.J. Dawood, *The Koran*, Middlesex, England: Penguin Books, 1983, p. 10, bold added)

2) Cyril Glass? *The Concise Encyclopedia of Islam*, San Francisco: Harper & Row, 1989, p. 324, bold added)

3) *An Introduction to the Sciences of the Qur'aan*, United Kingdom: Al-Hidaayah, 1999, p. 199.